

عادل شمرده شده فقط بوسیله‌ی ایمان

درس ۴: دیدگاه کاتولیک رومی

دکتر آر. سی. اسپرول

اگر زمانی رو به مطالعه‌ی بیانیه‌ی ۹۵ ماده‌ای لوتر اختصاص بدید، اونجا خواهید دید که مطالب کمی درباره‌ی آموزه‌ی عادل شمردگی مطرح شده، اما گفتگویی که لوتر می‌خواست با هیئت علمی درباره‌ی بیانیه داشته باشه، مربوط به کل نظام آموزه‌ای درباره‌ی بخشش نامه‌ها بود.

در ابتدا، لوتر فقط با بخشش نامه‌ها مخالف نبود، بلکه با سوء استفاده برای فروششون که توسط تترزل انجام می‌شد، مخالف بود.

اما وقتی شروع می‌کنه به نوشتن ۹۵ بند بیانیه و اگه اونها رو بخونید، خواهید دید که سؤالاتی رو درباره‌ی کل نظام مربوط به بخشش نامه‌ها و درک کاتولیک رومی درباره‌ی عادل شمردگی و انجیل بیان می‌کنه. همونطور که گفتم، برای این که مفهوم نهضت اصلاحات رو درک کنیم، به نظرم بهترین راه برای این کار، تقابل با پس زمینه‌ی دیدگاه کاتولیک رومیه.

حالا، آموزه‌ی کاتولیک رومی درباره‌ی عادل شمردگی، با همه‌ی پیچیدگی‌هاش، یک شبه توسط آگوستین یا بعداً توسط گریگوری بزرگ یا چنین چیزی مطرح نشد. بلکه ساختار نجات در روم، قرن‌ها و قرن‌ها طول کشید و هر بار لایه به لایه تنظیم شد. و از دیدگاه الهیاتی، ساختار کاتولیک رومی برای نجات، "قدیس گرایی" نامیده شده، یعنی نجات از طریق خدمات کلیسا و شبانی اتفاق می‌افته.

و آموزه‌ی عادل شمردگی، قطعاً تا بعد از آغاز نهضت اصلاحات تعریف نشد، زمانی که چیزی به نام "ضد اصلاحات" رو دیدیم. کلیسای کاتولیک رومی با حمله‌ی سه جانبه به پروتستان پاسخ داد. اولی با آغاز تفتیش عقاید اسپانیایی بود، که در اون افرادی که این آموزه‌های بدعت آمیز پروتستان‌ها رو می‌پذیرفتند، تحت شکنجه‌های شدید قرار می‌گرفتند.

دوم آغاز دسته‌ی یسوعیون، دسته‌ی خاصی از کشیشان که به مسائل عقلانی روز رسیدگی می‌کردند، جامعه‌ی عیسی توسط ایگناتیوس لویولا تأسیس شد. گاهی اوقات آثار مکتوب محققان یسوعی رو می‌بینید، اسمشون رو می‌بینید که بعد از اسمشون، به جای پیشوند PhD، اس‌جی گذاشته شده، یعنی جامعه‌ی عیسی، یعنی اونها یسوعی هستند. اونها "کرم د لا کرم" کاهنان آکادمیک در کلیسای کاتولیک رومی هستند.

اما عنصر اصلی ضد اصلاحات فراخوانی به یک شورای کلیسای جهانی و بین المللی مثل واتیکان دوم، واتیکان اول، قسطنطنیه، افسس، کالسدون، اینها شورا‌های بزرگ تاریخ کلیسا، بودند. اما این شورا در اواسط قرن شانزدهم در

ترنتو ایتالیا آغاز شد و شورای ترنت نامیده شد. گاهی اوقات، مرجع تصمیمات ترنت، "تریدنتینز" نامیده می‌شود، پس آنگاه این عبارت رو گاه و بی‌گاه شنیدید، دیدگاه تریدنتین، یعنی دیدگاه‌هایی که به طور رسمی "د فیده" در شورای ترنت حمایت شد و به شکل واقعی تنظیم شد. حالا، این شورا در طول سال‌های متعدد، از جلسات متعددی عبور کرد، اما مهم‌ترین جلسه در مورد عادل شمردگی، جلسه‌ی ششم شورای ترنت بود که در جلسه‌ی ششم، دو تا کار انجام شد.

در بخش اول جلسه، دیدگاه کاتولیک رومی رو درباره‌ی عادل شمردگی مشخص می‌کنه. بخش دوم شامل بیست و چند قانون هست که اعلانات داوری علیه دیدگاه‌های بدعت آمیز یا به نوعی ملعون بادها هستند. می‌دونید، مثلاً "اگر کسی این رو بگه، ملعون باد، بگذار لعنت بشه، یا بگذار نفرین بشه."

پس این هنوز بحثی هست که می‌تونیم کمی بعد در بین معاصران درباره‌ی اون صحبت کنیم، درباره‌ی این که ترنت چقدر قطعی هست، اما فقط به طور گذرا اینو گفتم که احکام شورای ترنت، در توتو، در رساله‌ی اصول دینی کاتولیک در دهه‌ی ۱۹۹۰ از نو تأیید شد. پس رسماً در کلیسای رومی، اگرچه افرادی رو در آمریکا و کانادا و جناح غربی کلیسا پیدا خواهید کرد که ترنت رو سرسری می‌گیرند، مجلس سنای جناح لاتین کلیسا و نظام پاپی، هنوز صریحاً احکام و قانون‌های ترنت رو تأیید می‌کنند. پس این کاریه که می‌خوایم انجام بدیم تا دیدگاهشون رو درباره‌ی عادل شمردگی درک کنیم.

دوباره، قبل از این که اونو توضیح بدم، اغلب در گفتگو و مباحثه بین مذهب کاتولیک رومی و عقاید پروتستان‌ها، هر دو طرف، یک شخص کم اهمیت رو می‌فرستند و به چیزهایی حمله می‌کنند که حقیقت نیستند. اونها به همدیگه افترا می‌زنند و من همی‌شه اینو می‌شنوم. خُب، ما به عادل شمردگی بوسیله‌ی ایمان، باور داریم، روم به عادل شمردگی بوسیله‌ی اعمال باور داره، انگار که ایمان، مهم نبوده. یا ما به عادل شمردگی بوسیله‌ی فیض ایمان داریم، روم به عادل شمردگی بوسیله‌ی شایستگی، ایمان داره. این مخدوش کردن و ساده سازی بیش از اندازه هست. یا بعضی می‌گن: "ما به عادل شمردگی بوسیله‌ی مسیح ایمان داریم، اونها به عادل شمردگی بوسیله‌ی اعمال خودشون ایمان دارند." این درست نیست. پس بیایید این سؤال رو بپرسیم: "روم درباره‌ی این سؤال عادل شمردگی چه تعلیمی میده؟"

خُب، در این جلسه‌ی ششم، با این کلام شروع شد که قدم اول در عادل شمردگی، آیین کلیسای تعمیده که روم به عنوان "علت مؤثر عادل شمردگی" تعریفش می‌کنه. علت مؤثر عادل شمردگی. وقتی می‌گیم عادل شمردگی "بوسیله‌ی" یا از حالت مفعول با واسطه‌ی "مؤثر" استفاده می‌کنیم، درباره‌ی طریق‌هایی صحبت می‌کنیم که بوسیله‌ی اونها چیزی اتفاق میفته. این تمایز در علّیت مؤثر به مطالعه‌ی ارسطو درباره‌ی علت‌ها برمی‌گیره و شاید بعضی از شما با این آشنا باشید، جایی که او فرق بین علت ثمربخش، علت رسمی، علت نهایی، علت مادی، علت مؤثر و الی آخر، همه‌ی این تمایزات ظریف متفاوت درباره‌ی علّیت رو مطرح می‌کنه.

حُب، روم معتقد و سیله‌ای که در ابتدا شخص باهانش عادل شمرده می‌شه، آیین کلیسایی تعمیده. در این آیین کلیسایی، عدالت مسیح یا چیزی که گاهی اوقات "فیض عادل کننده" نامیده می‌شه، در جان شخص تعمید گیرنده القا می‌شه یا ریخته می‌شه. حالا، اینجا مباحثه ظریفی با الهیدانان رومی، درباره‌ی کل ادراک‌شون درباره‌ی فیض وجود داره.

زبانی که برای توصیف فیض بکار می‌بره، به عنوان نوعی مفهوم یا چیزی هست که در جان ریخته شده و یک "هابیتوس" داره؛ در جان ساکن می‌شه. ما درباره‌ی فیض به عنوان عمل خدا، رفتار سخاوتمندانه‌ی او با ما صحبت می‌کنیم که شایسته‌اش نیستیم، اما به عنوان فیض به شکلی مستقل فکر نمی‌کنیم.

اما دوباره، برای درک دیدگاه رومی، این فیض رو دارید که در جان القا شده یا ریخته شده و تأثیر می‌ذاره بر چیزی که می‌خواد بر "اکس آپر آپراتو" تأثیر بذاره، یعنی از طریق انجام اعمال. اونها دوست ندارند از کلمه‌ی "خود به خود" استفاده کنند، اما واقعاً خود به خود هست. اگه تعمید گرفتید، این القای فیض رو دریافت می‌کنید و در جایگاه عادل شمرده‌ی هستید.

حالا برای ادامه‌ی جایگاه عادل شمرده‌ی، باید با این فیض القا شده همکاری کنید. اصطلاحی که در ترنت بکار بردند، اصطلاح "کوآپراهِ ات آسناره" هست، همکاری کردن و موافقت با این فیضی که در تو القا شده، پس وقتی که با این فیض همکاری کنی و با این فیض موافقت کنی، اونوقت عدالتی که القا شده، حالا "اینه‌رنز" هست، یعنی به ارث می‌بری تا در نظر خدا عادل بشی.

دلیل این که در نظر خدا عادللی، اینه که واقعاً عادللی. تو با این فیض القا شده، همکاری و موافقت کردی، پس تا زمانی که و مادامی که مرتکب گناه مهلک نشدی، در جایگاه عادل شمرده‌ی هستی.

حالا در این مقطع، روم بین گناه مهلک و گناه جزئی، تمایز قائل می‌شه. گناه جزئی، گناه واقعی هست و باید اعتراف بشه و بخشیده بشه و همه‌ی این چیزها، اما فیض نجات بخشون رو که در جانتون قرار گرفته، نابود نمی‌کنه. اما گناه مهلک، به این دلیل گناه مهلک نامیده شده که فیض عادل شمرده‌ی رو که در جانتونه، می‌کُشه. می‌دونید، کالوین در مخالفت با این گفت همه‌ی گناهان، مهلک هستند، از این لحاظ که شایسته‌ی مرگ هستند، اما هیچ گناهی برای مسیحی، مهلک نیست که نجاتش رو نابود کنه. اما در دیدگاه رومی، اگه مرتکب گناه مهلک بشید، اگه در گناه مهلک بمیرید، به جهنم میرید.

حالا، اولین چیزی که باید اینجا توجه کنید، اینه که می‌تونید ایمان واقعی داشته باشید، ایمانی که برای نجات ضروری هست، ایمان نجات بخش رو داشته باشید و همچنان مرتکب گناه مهلک بشید. پس اجازه بدید یک لحظه اینو توضیح بدم که ما بین شرط ضروری و شرط کافی تمایز قائل می‌شیم. اگه من بخوام در جنگل، آتش درست کنم، به مقداری اکسیژن نیاز دارم تا آتش درست بشه.

در شرایط طبیعی، اکسیژن، شرط ضروری برای درست کردن آتش، اما شرط کافی نیست. اگر شرط کافی بود، به این معنا بود که تنها چیزی که برای درست کردن آتش لازم داشتید، حضور اکسیژن بود. اگر اینطور بود، بعد چی می‌شد؟ کل دنیا الان آتش می‌گرفت، چون هر جایی که اکسیژن باشه، آتش هست. پس نمی‌تونستید بدون اینکه آتش داشته باشید، اکسیژن داشته باشید. حالا، این ایده می‌گه نمی‌تونید بدون داشتن اکسیژن، آتش داشته باشید، اما می‌تونید بدون آتش، اکسیژن داشته باشید.

حالا با استفاده از این تصویر بین شرط ضروری و کافی، دیدگاه رومی درباره‌ی این ایمان، اینه که ایمان شرط ضروری برای عادل شمردگی هست، اما شرط کافی نیست. شما می‌تونید ایمان حقیقی داشته باشید ولی عادل شمرده نشید، درحالی که در دیدگاه پروتستان، ایمان فقط شرط ضروری برای عادل شمردگی نیست، این شرط کافی برای عادل شمردگی هست. اگر ایمان حقیقی داشته باشید، عادل شمردگی دارید. نمی‌تونید ایمان حقیقی داشته باشید و عادل شمردگی نداشته باشید. نمی‌تونید عادل شمردگی داشته باشید، بدون اینکه ایمان حقیقی داشته باشید. دارم تند میرم؟ باشه.

دوباره، برای توضیح ایده‌ی گناه مُهلک و ایمان، در جلسه‌ی ششم ترنت، روم، ایمان رو به عنوان داشتن این عملکرد تعریف می‌کنه. این عملکرد سه گانه در رابطه با عادل شمردگی هست. روم، ایمان رو "اینیتیوم"، "فاندامنتوم" و "رادیکس" عادل شمردگی می‌نامه. حالا ترجمه‌ی اون به انگلیسی اینه، ایمان، آغاز، قدم اول عادل شمردگی ماست. پس وقتی مردم میگن، "روم به عادل شمردگی بدون ایمان یا فقط بوسیله‌ی اعمال ایمان داره"، نه، نه، نه، باید ایمان رو به عنوان عنصر اولیه‌ی عادل شمردگی تون داشته باشید.

این "فاندامنتوم" هم هست، پایه‌ای که عادل شمردگی روی اون برپا می‌شه. سوماً، این "رادیکس" هست، ریشه یا مرکز عادل شمردگی. پس عادل شمردگی، یک گزینه‌ی کمی مناسب نیست که بتونید در دیدگاه کاتولیک رومی داشته باشید یا نداشته باشید. این شرط ضروری برای عادل شمردگی هست. آغاز، پایه و ریشه‌ی عادل شمردگیه. اما اگر این ایمان رو دارید، هنوز می‌تونید مرتکب گناه مُهلک بشید و اینجاست که مشکل ایجاد می‌شه.

اگر مرتکب گناه مُهلک بشید، عادل شمردگیتون رو از دست میدید، و اگر عادل شمردگیتون رو از دست بدید، به چیزی نیاز دارید که روم در ترنت "پایه‌ی دوم عادل شمردگی" می‌نامه، برای کسانی که جانشون رو تباہ می‌کنند. حالا، ایده‌ی راه رفتن روی یه بخش یا داشتن بخشی از کشتی یا بخشی متفاوت مثل برنامه‌ی جمهوری خواهان، اونها بخش‌ها یا جایگاه‌هایی دارند که برعهده می‌گیرند.

اینجا روم از ایده‌ی نیروی دریایی استفاده می‌کنه. شما نجاتتون رو از دست می‌دید، با گناه مُهلک به عادل شمردگیتون خاتمه می‌دید. حالا، سؤال اینه که چطور می‌تونید از نو عادل شمرده بشید؟ خُب، فکر می‌کنید پاسخ این سؤال اینه که "خُب، دوباره تعمید بگیرید." اما اونها میگن: "نه، شما دوباره تعمید نمی‌گیرید. یک نشانه‌ی زایل نشدن در تعمید اولیه‌تون به شما داده شده که هرگز اونو از دست نخواهید داد. حتی اگر به جهنم برید، این

نشانه‌ی زایل نشدنی رو خواهید داشت، "پس نباید از نو تعمید بگیرید، اما به جای آیین تعمید، به آیین دیگه ای نیاز دارید تا از نو عادل شمرده بشید. این آیین توبه هست و اینجا، اصل و مرکز مباحثه‌ی قرن شانزدهمه، چرا؟"

حُب، عناصر توبه اینها هستند، اول از همه، اعتراف. اگه مرتکب گناه مُهلک شدید، باید اعتراف کنید، باید این گناه رو نزد کشیش اعتراف کنید، و این اعتراف باید خالص باشه، نمی‌تونه صرفاً اندوه باشه. اندوه صرف یعنی توبه به خاطر ترس از مجازات، می‌دونید، مثل بچه‌ی کوچکی که دستش در ظرف کلوچه هست و گیرش می‌ندازید و می‌گه: "لطفاً من رو نزن، لطفاً من رو نزن."

او کاملاً متأسفه، چون قراره مجازات بشه، نه چون کار اشتباهی کرده. اما ندامت حقیقی مثل چیزی هست که در مزمور ۵۱ داوود می‌بینید که دلش نزد خدا شکسته و این دل شکسته و پشیمان رو داره، چون متوجه می‌شه در مقابل خدای قدوس و عادل گناه کرده. پس اعتراف می‌کنید و در دعای اعتراف می‌گید: "پدر، من این کار رو کردم و اعتراف می‌کنم، توبه می‌کنم، نه تنها به خاطر ترس از مجازات خدا، بلکه چون به تو توهین کردم" و الی آخر.

بخش دوم آیین، آمرزش کشیشی هست، کشیش می‌گه: "ته آبزولوو". حالا، پروتستان‌ها، این رو کامل انجام میدن. می‌گن: "اگه گناه کنم، مجبور نیستم برای اعتراف برم. حتماً لازم نیست پیش کشیش برم، مستقیماً نزد خدا میرم." می‌دونید، همزمان می‌گیم باید به گناهانتون اعتراف کنید؛ اعتراف به گناهانتون نزد شخص دیگه یا کشیشتون اشتباه نیست. اینکه کشیش، ما رو از این آمرزش مطمئن کنه، اشتباه نیست، چنان که ما مرتباً در مراسم کلیسایی مون این کار رو می‌کنیم.

می‌گیم: "اگه به گناهانتون اعتراف کنید، خدا امین و عادلّه تا گناهانتون رو بیامرزه و شما رو از هر ناراستی پاک کنه." وقتی کشیش می‌گه: "ته آبزولوو". من شما رو عفو می‌کنم، او نمی‌گه من قدرت ذاتی دارم که گناهانتون رو ببخشم. فقط خدا این قدرت رو داره، اما از یک حق واگذار شده استفاده می‌کنه. وقتی از آیین ترتیب‌های مقدس عبور می‌کنه، و تبدیل به یک کشیش می‌شه، از قدرتی استفاده می‌کنه که بهش داده شده. حالا می‌بینید، بخشی از کشیش شدن، اینه که اقتدار داره بخشش خدا رو بر شخص توبه کار اعلام کنه.

پس این آسیب زننده و ناپسند نیست. این بخش سوم آیین توبه است که همه‌ی این تحریکات رو ایجاد کرد، و اون هم اینه که در بخش سوم، بعد از این که بخشش کشیش رو دارید تا کاملاً عادل شمرده‌تون احیا بشه، باید اعمال رضایت بخش انجام بدید تا عادل شمرده بشید. اینجا اعمال وارد می‌شه.

اعمال رضایت بخشی همچون تکرار تعداد زیادی درود بر مریم، پدر ما، صدقه دادن، انجام بعضی از اعمال خوب دیگه، اینها اعمال مورد نیاز برای عادل شمرده شدن هست. دیدگاه اصلاح یافته درباره‌ی عادل شمرده‌گی، فقط بوسیله‌ی ایمانه. برای دیدگاه کاتولیک رومی، ایمان بعلاوه‌ی اعماله تا عادل شمرده بشید. حالا این اعمال، اعمالی نامیده شدند که با خودشون شایستگی و لیاقت درخور رو میان، "مریتوم دِ کانگرو" زبان رومه.

لیاقت درخور که از "مریتون دِ کاندیگنو" یا لیاقت عطا شده متمایز شده. لیاقت عطا شده، لیاقتیه که اونقدر شایسته و عادلانه که نیازمند برکت یا پاداش از جانب خداست. اگه خدا شخصی رو که لیاقت عطا شده داره، از نو عادل نشمره، ناعادله. اما روم می‌گه: "نه، آیین، لیاقت عطا شده رو به شخص نمیده، بلکه لیاقت درخور رو عطا می‌کنه." یعنی اگه یک نفر این اعمال رضایت بخش رو انجام بده، حالا مناسب یا درخور یا شایسته است که خدا بوسیله‌ی احیای عادل شمردگی این شخص، بهش پاداش بده.

به عبارت دیگه، اگه خدا این شخص رو به نجات برنگردونه، عمل نامناسبی انجام داده. درک می‌کنید؟ پس این چیزها رو اینجا دارید. حالا این شخص برگشته و عادل شمرده شده و تا زمانی که یا مادامی که مرتکب گناه مُهلک دیگه‌ای نشده، عادل می‌مونه. اگه مرتکب گناه مُهلک بشه، می‌میره و به جهنم میره یا می‌تونه به آیین توبه برگرده و بارها و بارها و بارها احیا بشه. حالا، اگه این شخص با ناپاکی در جانش بمیره، به برزخ میره. حالا به این دلیل برزخ نامیده می‌شه که جایگاه پاکسازی هست.

جایی که شما رو از هر ناپاکی که باهش مُردید، پاک می‌کنه. شاید دو هفته در برزخ بمونید، شاید دو میلیون سال در برزخ بمونید، بستگی داره که چقدر لازمه تا پاک بشید که به بهشت برید، اما تا زمانی که یا مادامی که ذاتاً عادل نشید، به بهشت نخواهید رفت.

حالا این نگاهی اجمالی بر نسخه‌ی رومی از انجیله و می‌تونید تضاد اساسی بین اون و دیدگاه نهضت اصلاحات رو ببینید. در دیدگاه نهضت اصلاحات، لحظه‌ای که ایمان دارم، بهشت رو دارم. هیچ برزخی نیست. حیات ابدی دارم، در ملکوت خدا پذیرفته شدم و گناهانم یکبار برای همیشه بخشیده شده. پس تضاد بین این دو دیدگاه، تضاد بین خبر خوش و خبر بده. دو درک اساساً متفاوت از انجیله.

حالا، هنوز چیزهای بیشتری هست که باید به طور خلاصه درباره‌ی دیدگاه‌های کاتولیک رومی در رابطه با بخشش نامه‌ها و قدرت کلیدها و خزانه‌ی شایستگی‌ها بگم. همه‌ی اینها بخشی از نظامی هست که روم بکار برد و به بکارگیری اون در درکش از نجات ادامه میده. پس اگه خدا بخواد، در جلسه‌ی بعدی به اون خواهیم پرداخت.